



معلم (شاعر) | ال احمد (نویسنده) | امیر حسین فردی (نویسنده) | ابوالفضل عالی (گرافیست) | شهید رسول کاظم نژاد (عکاس) | صفار زاده(نویسنده) | حمید سبزواری(شاعر) | مهرداد اوستا(شاعر) | نصرالله مردانی (شاعر) | مسعود دهخدا(شاعر) | کرکابوناست | حبیب الله معلمی (شاعر) | علیرضا فروزه(شاعر) | محمدعلی گودینی (نویسنده) | علی محمدمودب (شاعر) | اکبر محرابی (نویسنده) | محمدمهدی سیار (شاعر) | سمین‌دخت وحیدی (شاعر) |



برای مظلومان جهان اسلام

از یمن، از دمشق و غزه بگو

■ یوسف رحیمی



دل من! در هوای مولا باش

یار بی‌ادعای مولا باش

گر نشد یارورش شوی همه عمر

گاه گاهی برای مولا باش

به گدایی تو هر کجا رفتی

یک سحر هم گدای مولا باش

دست من! دست‌گیر مردم باش

پینه‌ی دست‌های مولا باش

پهن کن سفره‌ای برای یتیم

مستمند دعای مولا باش

یا به پایش اگر نشد بروی

لااقل ردپای مولا باش

جان من! تا که در بدن هستی

باش اما فدای مولا باش

بندگی کن به راه و رسم علی

عبد! عبد خدای مولا باش

ای نفس! می‌روی به سینه برو

چون برآیی صدای مولا باش

از یمن، از دمشق و غزه بگو

شیعه‌ی زخم‌های مولا باش

خار در چشم‌های مولا بود

چشم من! در عزای مولا باش...

بنویس من از یمنم

■ حسن المر ترضی، شاعر یمنی

بنویس من از یمنم اگر نشانی‌ام را می‌جویی

تورات و انجیل و قرآن است نشان من

من از یمنم، اگر گلدسته‌های سعد صفا را می‌جویی

هنوز خون نمازمان جاری است

من از یمنم چه کسی از صحرای نجد خبر می‌دهد

که عمرم گران‌تر از عمر زمین است...

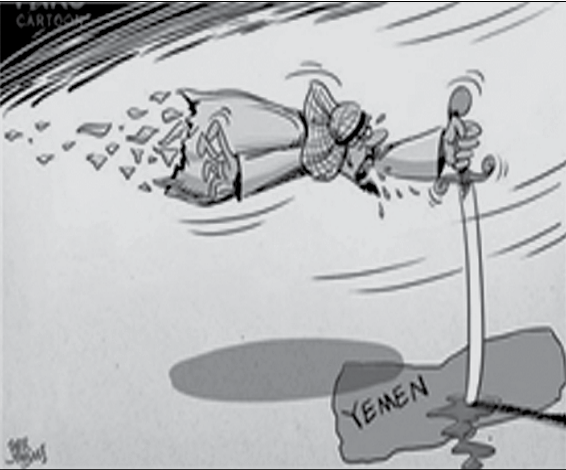
تقدیم به مردم مظلوم یمن

■ میلاد عرفان‌پور

بشنو صدای طفل معصومی‌است که مادرش را خوانده از آوار فریاد مظلومان تاریخ است، این دست بیرون مانده از آوار از آخرین مشق دبستان‌ها آثار خون بر واژه‌ها مانده است از مادران در شام بمباران، لالایی تلخی به جا مانده است ای بشکه‌های نفت صهیونیسم، ای ملحد جامعه اسلام طوفان خودت را غرق خواهد کرد در موج این دریای نا آرام ای خائنان خانه توحید، فروغیان خواب بی‌تعبیر ای خادمان کور آمریکا ای تاجران کهنه تکفیر

قیل و قال

■ سعید ساجدی رشوانلوئی



داد از غریب و نعره از قیل و قائلان

ای وای بر شما و به روز و به حالتان

در بزم کینه‌ورزی زاغان نشست‌اید

وز سوگ مرغ عشق نباشد ملالتان

در لاک خود اسیر شدید و نمی‌رسد

پرواز تا به اوج به عمق خیالتان

در هم تنیده‌اید گناه و ثواب را

در هم شکسته مرز حرام و حلالتان

دارید سلطنت به دل و مغزهای پوچ

لعلت به تاج شاهی و جاه و جلالتان

بر آسمانتان نظری کردم و نبود

دیگر نشان بخت که دیدم به فالتان:

خاموش شد به یمن سحر اختر سعود

یعنی رسیده است زمان زوالتان

حضرت امیرالمؤمنین علی‌بن ابی‌طالب(ع) به عنوان نخستین امام شیعیان و وصی و ولی برحق پیامبر اعظم(ص) با آن زندگانی پر فراز و نشیب خویش، همواره ذهن، قلم و زبان شاعران گذشته و معاصر را به سوی خویش معطوف و متبرک نموده است. با عنایت به شخصیت جامع و مانع امام علی(ع) و عشق و ارادت شاعران فارسی‌زبان به ایشان و فضایل برجسته و ممتاز او از جمله، اولین مومن به رسول‌خدا(ص)، مقام امامت و ولایت و... بسیاری از زوایا و دقایق زندگانی ایشان مورد توجه شاعران و نویسندگان قرار گرفته است. در شعر معاصر چند موضوع و مضمون برجسته از زندگانی امام علی(ع) بروز و تجلی بیشتری دارد که نخستین موضوع «تنهایی و غربت» ایشان است. راز هم‌کلایی مولا علی(ع) با چاه تصویر بازی از تنهایی اوست.

... کجاست آن که بخواند برای غربت عشق

شایانه گریه شود دردهای مردم را

درون چاه بنالده از این همه اضداد

دوباره نقش زند در زمین، تفاهم را

هر گز نشد که کوفه بفهمد چرا گریست مردی که لا‌بالای همین نخل‌ها گریست او که غرور کوه هم از هیبتش شکست در کوجه‌های خسته شب بی‌صدا گریست خشکید هر چه چشمه و خشکید چشم ابر هفت آسمان به وسعت این ماجرا گریست معراب خم شده است بیوسد نماز را خون خدا چکید که خشم خدا گریست

و با ایبات تنهایی از این بیش که دیده است که دریا در غم بگیرد غم تنها شدنش را با غربت از این بیش که خورشید، شبانه بر دوش کشد نیمه خاموش تنش را مولی گل و آینه حیف است بیند در سبطره شوم کلاخان چمنش را

که بیت دوم به تنهایی و غربت حضرت امیر اشاره دارد که با نامردی کوفیان ناگزیر بود دیگر مظهر و مظلوم برترین زنان جهان حضرت فاطمه زهرا(س) را شبانه و دور از چشم مردم به خاک سپارد.

دیگر واژه و موضوعی که در اشعار پیرامون زندگی و شخصیت امام علی(ع) در دوره معاصر به کار رفته واژه «کوفه» است که نشانه و نماد نامردی و نمک‌نشناسی است که یکی از شعارهای آشنای انقلاب اسلامی ما نیز هست که «ها اهل کوفه نبویست علی(ع) تنها بماند!»

کوفه یعنی این طرف‌ها مرد نیست یا اگر هم هست صاحب درد نیست کوفه شهری خفته و بی‌درد بود

واقعه معراج در ادب فارسی

معراج رسول‌الله(ص) به گواهی اسناد یک سال یا یک سال و نیم پیش از هجرت در دوشنبه، شب سیزدهم ربیع‌الاول، یا نوزدهم رمضان از کعبه یا خانه «ام هانی» دختر ابوطالب انجام شده است. این واقعه که قرآن کریم در دو سوره الاسراء (۱۷)، آیه یکم سوره النجم (۵۳)، آیات فتمم به بعد به آن اشاره کرده از شگفتانگیزترین وقایعی است که در زندگی رسول‌خدا(ص) پیش آمده و گواه این شگفتی، اظهارنظرها و سخنانی است که از روز تحقق این واقعه تا عصر ما در این باره گفته و نوشته‌اند و نگاهی کوتاه به تاریخ، سیره پیامبر(ص) و کتاب‌های تفسیر قرآن مجید گواه صدف این مدعاست.

این واقعه به قدری از نظر گاه عقل آدمی شگفت می‌نماید که از همان سال‌های عهد رسول(ص) و صحابه، متأسفانه برخی به تاویل آن روی آورده و آن را روایاتی صادق برشمردند که بر دیدگان محمد(ص) گذشته است. دلیل این شگفتی نیز معلوم است.

از آن تاریخ تاکنون همه کوشش‌ها را برای این بوده است که بشر و خصوصا مسلمانان به فقهی عقلانی و بشری از این حادثه الهی دست یابند و همین راه را برای تامل در این باره گشوده و سبب شده تا معراج علاوه بر روایت نبی خویش، روایت عرفانی و هنری نیز بیابد و این همان جایی است که معراج را با ادب فارسی و با هر چه که ماهیتی هنری دارد پیوند می‌زند.

معراج دو سبویه است: سری در زمین دارد و سری در آسمان؛ ماهیتی تا حدی مبهم که عرصه را برای تفسیر و تحلیل، تاویل و از نگاهی هنرمندانه، به تحلیل می‌گشاید و همین جاست که ادب فارسی و شاعرانش از آن به قدری ششم از آن سبایی است که علاوه بر تلمیحات پراکنده‌ای که به داستان معراج، در دیوان وی یافته می‌شود، در باب رسوم حدیقه پس از نعت رسول اکرم(ص)، رحمت جهانیان، سخن را به صفت معراج ایشان می‌کنند:

بر نهاده از بهر تاج قدم

پای بر فرق عالم و آدم

سنایی ۴۱ بیت را در توصیف معراج می‌سراید. پس از سنایی در سال‌های میانی قرن ششم، خاقانی شروانی دین ارادتمند سنایی، شاید به اثرپذیری از وی در مثنوی تحفه می‌نماید. آنان مایلند تا کتابشان را (العراقین هنگام نعت خاتم‌النبین(ص) ماجرای معراج را چنین یادآور می‌شود، به نام خدا و رسول وی بیاریند و

پژواک شخصیت امام علی(ع) در شعر معاصر

■ علی خوشه چرخ آرنای



کوفه از روز ازل نامرد بود

یا علی، کوفه سزاوار تو نیست

کوفه و کوفی طرفدار تو نیست

و یا در دو بیت: ... یا ماه کپکشان محمد چه کرده است این شهر ذکر بر لب و شیطان در آستین آخر کجای غربت این خاک شبزده در بر کشیده پیکر یاس تو را زمین ترکپه‌های شهر ذکر بر لب، شیطان در آستین، خاک شبزده و... تصاویری از نامردی و نامردمی کوفیان را ارائه می‌دهد. پتینه‌نوازی و مهرورزی حضرت امیر(ع) به ایام از دیگر مضامین ویژه شعر علوی معاصر است که در نکوداشت و یادکرد امام علی(ع) در قالب شعر بسیار دیده می‌شود. اگر چه زخم به فرقی سه روز منزل داشت علی جراحش سر را همیشه در دل داشت نه پنج سال خلافت که پیش از آن هم نیز دلی به سینه چنان مرغ نیم بسمل داشت اگر شبانه به اطعام ساتلان می‌رفت به جان فاطمه – شرم از نگاه سائل داشت پس از شهادت زهرا، علی ز عمق وجود همیشه در دل خود انتظار قاتل داشت

ای نقش تو معراج معانی

می‌کند و با این عنوان حدود ۷۰ بیت می‌سراید:

میدان ازل ندیده باری
بر پشت فلک چنو سوزای
آن شب که سپهرش آفرین کرد
کا حسنت سوار آسمان گرد
برقعه قبله قلب رفت
تا قله قبله ملک رفت
بر شد به دمی از این حباله
زای سون فلک هزار ساله
شاعر پس از این بیت‌ها، در بیست



و سه بیت به توصیف براقی می‌پردازد: بر براق را اسب آسمانی می‌داند که در مرتع قدسیان چریده و سال‌ها پیش از آدم(ع) ساکن بهشت بوده است، در حرکات چون جن است اما راوبی چون روی آدمیان دارد، عذارش بهمانند ناهیدست و خوی و خصلتش به مشتری می‌ماند، نفسی معطر دارد، خستگی نمی‌شناسد و از شیر آسمان نیز هراسی به خود راه نمی‌دهد. اما بخش پایانی سخن خاقانی توصیف راه معراج است که چنین آغاز می‌شود. **اسعد به چنین براق میمون**
زین دارالحرب راند بیرون
روایت خاقانی از سلف‌خویش سنایی شاعرانه‌تر و خیال‌انگیزتر است اما باید منتظر ماند تا ظهور نظامی معراج رنگی دیگر بیابد. با ظهور نظامی گنجه‌ای، توجه به معراج پیامبر(ص) شکلی خاص به خود می‌گیرد. نظامی در هر پنج گنج خویش به معراج رسول خدا(ص) می‌پردازد. در اولین سروده خویش، مخزن‌الاسرار پس از نعت رسول اکرم(ص) معراج را مطرح

قیصر امین‌پور از دیگر شاعران برجسته شعر آیینی، پتینه‌نوازی امام علی(ع) را این‌سان توصیف می‌کند: **امشب سر مهربان نخلی خم شد**
متهاب گرفت، شهر در ماتم شد
در خانه دور بیوه‌ای شیون کرد
هم‌بازی کودک یتیمی کم شد
سیدابوطالب مظفری در آیات زیر پتینه‌نوازی امیرمومنان علی(ع) را این‌گونه شرح می‌دهد:

کوفه دیده است خلیفه، گل و نان در دستش
ناشناس آمده انگشت به این در زده است
کودک از خواب سر اسیمه دوبده دم در
که ببیند چه کسی از شب او سر زده است
تا رسیده است، کبوتر چه سبک‌بار، اما
دانه را ریخته آرام، ولی پر زده است

از دیگر موضوعات شعر معاصر در خصوص شخصیت و زندگانی امام علی(ع) سوگسورده‌ها و مرثیه‌های سروده شده در ماتم اوست که به نوعی برجسته‌ترین و گسترده‌ترین ابعاد شخصیت ایشان است. در شعر معاصر، سوگ و آندوه شاعر، سوگ ظاهری و صوری نیست، بلکه بینش و همدفندنی خاصی در متن نهفته است و آن راهنمایی و به حرکت واداشتن مخاطب به منظور خاص یا توجه به نکات مشخص و معین است:

جاری است در حوالی شب دهنه‌های کین
سجاده را نشانه سرخی است بر زمین
مولای من بمان که غم زینبات بس است
اصرار و خواهش در دیوار را ببین
از نخل‌های کوفه بپرسم غم تو را
یا از کبود درد به گلبرگ یاسمین
افتاده‌ای کجای دعا بر زمین علی؟
دستی ببار و گریه ما را بچین علی
پشت در تو، در سحر کودکان شهر
صف بسته گریه‌های گریبان‌نشین علی
نان جوین منتظرات تمام شد
وز بهیزی بپرس، تنوری ببین علی
آری، خدا شهادت آشفته یال را
امشب برای تو کرده‌ست زین، علی

و در پایان و به عنوان نتیجه باید گفت که شعر علوی معاصر، شعر شهادت، عدالت و امامت است؛ شوری بیوا و ماندگار که انسان را به مبارزه با تمامی مظاهر ظلم و ستم فرا می‌خواند و قصد آن دارد که انسان را از سرعت زمان‌خواری کاست، تهران، سازد،

ای نقش تو معراج معانی

■ **فرهاد فرقه**

تواضع و بدون شک به سبب احترام سنایی و خاقانی، خویش را از سلف محمد(ص) یا سفر آسمانی ایشان جدا می‌داند: **محمد که بی‌دعوی تخت و تاج**
زنامه‌ها به شمشیر بسند خراج
غلط گفتم آن شاه سدره سربر
که هم ناجور بود و هم تختگیر
تنش محرم تخت افلاک بود
سرش صاحب تاج لولاک بود
اما دلیل این همه توجه به واقعه معراج(ص) و اصحاب و اعرار فرزانه معراج چیست؟ چرا نظامی این شاعر توانای توصیف‌گر از حیات رسول خدا پیش از هر چیز به معراج او دل می‌بندد و در هر پنج گنج حدود ۳۰۰ بیت را به یادآوری این واقعه اختصاص می‌دهد؟ بیش یک نظامی در معراج‌سرایی علاوه بر اثرپذیرفتن از سنایی و خاقانی و بیان ارزش شب در کعب معرفت، به خیال‌انگیزی فوق‌العاده معراج توجه دارد و به قدری بدان دلبسته است که وقتی از شب‌های مراقبه و مکاشفه و معرفت‌اندوزی خویش یاد می‌کند، آن شب‌ها را به شب معراج می‌داند می‌کند: **روز سفید آن نه شب حاج بود**
بود شب اما شب معراج بود
نظامی با طرح معراج و پیوند آن با معارفی نظیر قرآن، حدیث، تاریخ اسلام، فلسفه، کلام، نجوم، طب و عرفان که چنان مصفاایش از آن بهره‌مندی داشت، خیال‌انگیزی کلام شعر خویش را بدان حد می‌رساند که تا آن‌جا می‌رود که چنان‌که می‌خواهد، این شاعر توانا در لیلی و مجنون، حدود ۶۰ بیت را به بیان معراج اختصاص می‌دهد:

ای نقش تو معراج معانی
معراج تو نقل آسمانی
گنجور گنج‌است باز هم عنوان معراج دیده می‌شود: **چون نگنجد در جهان تاجش**
تخت بر عرش برد معراجش
در شرفنامه، شاعر پس از نعت خواجه کائنات، به معراج ایشان می‌رسد و مفصل‌ترین توصیف خویش را از این واقعه عظیم و خیال‌انگیز در حدود ۸۰ بیت به رشته نظم می‌کشد:

این اشعار که تامل در هر جزء آن رهنمون خواننده به دنیایی از هنر و فرازانگیست، همه گواه نبوغ شاعر بزرگی چون نظامی است که موضوعی را سرزمایه سخن خویش می‌سازد که در نوع خود تازه نیست اما این قابلیت را دارد تا از منظر هنر و با دیدی شاعرانه بدان تگرپسته شود و به روایتی نو عرصه گردد و این کار نشانی دیگر از ابتکارات شاعرانه اوست. نظامی با آنکه از سر

روزی محمد مهدی جواهری خدمت رهبر انقلاب آمد. این شاعر بزرگ عرب که تقریباً ۹۴ سال عمر داشت، وقتی فهمید حضرت آقا این همه مطالعه دارند و دیوان و خاطرات جواهری را دقیق خوانده‌اند، مات و مبهوت ماند.

کتاب «یادستان دوست» که دربردارنده خاطراتی از رهبر معظم انقلاب از زبان شخصیت‌های مختلف کشوری است بزودی منتشر می‌شود.

بخش‌هایی از کتاب که شامل نظرات شخصیت‌ها پیرامون شعرشناسی رهبر انقلاب بود منتشر شد و امروز در ذیل بخش دوم به موضوع ادبیات، رمان و مطالعه موارد منتشر می‌شود که براساس خاطرات محسن مومنی، محمدعلی آذرشب، غلامعلی حدادعادل و ... است.

اشتیاق به مطالعهٔ زمان

■ **محسن مؤمنی شریف**
با ورود سیدعلی نوجوان به حوزهٔ علمیه، که از کودکی در خانه «علی‌قا» صدایش می‌کردند، پای او به کتابخانهٔ آستان قدس رضوی نیز باز شد. وی در کنار مطالعهٔ کتاب‌های تاریخی و حدیث، با گونه‌ای از ادبیات نوین به نام رمان آشنا شد که دنیای آن برایش شگفت‌آور بود.

در این دنیای جدید، زندگی با تمام زوایایش به تصویر کشیده می‌شد و مسائل فراموش‌شده و مغفول‌مانده مورد توجه قرار می‌گرفت. شوق و علاقهٔ وافر به جاذبهٔ مطالعهٔ رمان در حدی بود که کتابخانهٔ آستان قدس نیز نمی‌توانست تکلف اشتیاقش باشد. از سوی دیگر، در آن روزگار عسرت، خانوادهٔ تهیدست‌تر از آن بود که بتواند تمام کتاب‌های مورد علاقه‌اش را بخرد، بنابراین تصمیم گرفت رمان‌های جدید را از کتاب‌فروشی محلشان، از قرار شیی یک ریال، کرایه کند و برای اینکه کتاب امانی به شب دوم نکشد و یک ریال دیگر نپردازد، به هر سرعتی بود آن را به پایان برساند. البته این همه تلاش و کوشش، در حاشیهٔ درس‌های حوزه، جلسه‌های قرائت قرآن و کارهای فراوان دیگری بود که نوجوان باهوشی مانند او در آن سن و سال، برای ارضای کنجکاوِ خویش، انجام می‌داد.

هرچند در ابتدا، رمان‌خوانی او بی‌هدف بود و چه‌بسا بیشتر تحت تأثیر کنش داستان‌پردازی قرار می‌گرفت؛ اما پس از مدتی، این مطالعه چه‌تدر شد و او در رمان‌های بزرگ، در جست‌وجوی شناختی متفاوت از آدم‌ها و آشنایی با فرهنگ و تمدن سرزمین‌هایی بود که داستان‌ها در آنها شکل می‌گرفت. بنابراین رمان‌های یا زمینهٔ تاریخی، بیش از همه مورد توجه ایشان قرار گرفت و تاریخ برخی کشورها را از طریق رمان شناخت.

با جدی‌تر شدن درس‌های حوزه، از سرعت زمان‌خوانی کاست، اما هرگز این ارتباط قطع نشد. امروز هم رهبر معظم انقلاب در کنار تمام کارهای بزرگ و حساس‌شان، در اوقات فراغت از مطالعهٔ رمان‌های قابل اعتنا دریغ نمی‌کنند؛ به‌ویژه رمان‌هایی که با مضامین انقلاب اسلامی و دفاع مقدس نوشته شده باشد، مورد توجه ایشان است.

سخن کارشناسانه دربارهٔ رمان

■ **محمدرضا پایرامی**
با گروهری از بچه‌های دفتر ادبیات و هنر مقاومت خدمت مقام معظم رهبری شُرُف‌ز شده بودیم. ایشان حرف می‌زدند و ما مگو صحبت‌هایشان شده بودیم. می‌دانستیم که معظله‌هم شعر می‌گویند و شعر و شاعران را می‌شناسند؛ اما اصلاً گمان نمی‌کردیم در داستان و رمان هم سررشته‌ای داشته باشند. هنگامی که صحبت‌های خویش را آغاز کردند، واقعاً حُظْ کردیم، چون هم رمان را خوب می‌شناسختند و هم دقیق و کارشناسانه دربارهٔ آن‌ها نظر می‌دادند. ایشان آثار بی‌شماری را خوانده و در حاشیهٔ آنها نقد و نظری هم نوشته‌اند.

■ **جواهری» مات و مبهوت ماند**

■ **محمدعلی آذرشب**
ادبیات روی خطابات و سخنان مقام معظم رهبری اثرگذار بوده است. سخنان معظم‌له را با سخنان دیگران مقایسه کنید؛ به‌ویژه روی جمله‌های آهنگین ایشان که بسیار ادیبانه است. اگر فردی با سبک ادبی صحبت کند، تلاش در اعقاب شعر، انشان‌ها نفوذ می‌کند. در ارتباط با همین موضوع، معظم‌له در جایی فرمودند: «من یک روز سخنرانی می‌کردم. مرحوم باهنر همین‌طور به من نگاه می‌کرد؛ وقتی که یک خرده من مکث کردم، گفت: قربان جملات آهنگین‌ات بروم!»

هر کسی که ذوق ادبی داشته باشد، واقعاً احساس می‌کند ایشان فارغ‌التحصیل یک مدرسهٔ ادبی فوق‌العاده است. ایشان کتاب‌های باغث را به‌طور کامل خوانده و از شاگردان ادیب نیشابوری دوم نیز بوده‌اند.

بنابراین ادبیات یکی از محورهای تأثیرگذار و احیاجر شخصیت معظم‌له در مسائِل فرهنگی بوده است. از آن مهتر کتاب‌های فقط به ادبیات فارسی اکتفا نکرده، بلکه به ادبیات عرب نیز پرداخته‌اند. روزی محمدمهدی جواهری خدمت ایشان آمد. این شاعر بزرگ عرب که تقریباً ۹۴ سال عمر داشت، وقتی فهمید حضرت آقا این همه مطالعه دارند و دیوان و خاطرات جواهری را دقیق خوانده‌اند، مات و مبهوت ماند و فریاد زد: « دوران حکومت صاحبین عباد و ابن عمید بر ایران برگشته است!» این دو، وزیر و حاکم فوق‌العاده‌ای نبوده‌اند که مهارت ادبی عجیبی داشته‌اند. افزون بر جواهری، ایشان با شاعران متعددی از جهان عرب نیز آشنا هستند. از آن مهتر، معظم‌له پا را فراتر از جهان اسلام گذاشت و به سمت ادبیات اروپا نیز رفت‌اند. در زبان معظم‌له شنیدم که فرمودند: «شاید هیچ رمان غربی با شرقی، یعنی از اروپای غربی یا اروپای شرقی، به فارسی ترجمه شده نیست که من نخوانده باشم؛ همه را خوانده‌ام.»

آشنایی با سبک‌های ادبی

■ **سیدعلی علوی**
حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در بسیاری از علوم انسانی و معارف دینی صاحب‌نظر بوده و دارای مطالعاتی گسترده هستند. یکی از این موارد ادبیات است. رهبر عزیزمان با سبک‌های گوناگون ادبیات غرب و شرق و حتی با زندگی و عقاید نویسندگان و شاعران بزرگ، آشنایی عمیقی دارند و همیشه همه مردم به‌ویژه جوانان را به مطالعهٔ رمان‌ها، داستان‌ها و اشعار و کتاب‌های بزرگان علم و ادب توصیه می‌کنند. خود ایشان در دوران جوانی به مطالعهٔ کتاب‌های غیردرسی علاقه نشان می‌دادند و هم‌اکنون نیز با وجود مشغله‌های بسیاری که دارند، به گفتۀ خودشان از بسیاری از جوانان و نوجوانان بیشتر مطالعه می‌کنند.